



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۲۰

ملک ستیز

پشک‌ها در افغانستان حقوق بیشتری دارند

چهار روز پیش در جریان پوشش و تحلیل زنده نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون وضعیت افغانستان، نشستی که به ریاست آقای ژروم بونافون، سفیر و نماینده دائم فرانسه در سازمان ملل برگزار شد، اظهارنظری از سوی مقام ریاست شورا مطرح گردید که نه تنها تعجب‌برانگیز، بلکه عمیقاً تأثیرگذار و تکان‌دهنده بود. او در بخشی از سخنرانی خود، وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان افغانستان را با حیوانات (پشک‌ها) مقایسه کرد و مدعی شد که پشک‌ها در افغانستان از حقوق بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. چرا که امکان تردد آزادانه به پارک‌ها و برخورداری از حداقل‌های رفاهی برای آن‌ها میسر است.

این قیاس هنجارشکنانه، هرچند به شکلی بی‌رحمانه گویای عمق فاجعه و واقعیت ملموس استبداد حاکم بر افغانستان بود، اما از منظر حقوقی و دیپلماتیک بسیار دردناک و شرم‌آور تلقی می‌شود و سه چالش بنیادین حقوقی-سیاسی را برجسته می‌سازد:

۱. پرسش اساسی این است که آیا همین شورای امنیت نبود که با قطعنامه‌ها و رویکرد مصلحت‌اندیشانه خود، بستر انحراف بحران را هموار ساخت و توافق دوحه میان ایالات متحده و طالبان را مشروعیت بخشید؟ چگونه نهادهای پژوهشی و ارگان‌های تخصصی ملل متحد نتوانستند پیامدهای امنیتی، حقوقی و انسانی سقوط نظام جمهوریت را پیش‌بینی کنند؟ تناقض آشکار اینجاست که نهادی مسئول مستقیم فاجعه کنونی، امروز با بیانی استعاری، قربانیان همان سیاست‌ها را تحقیر می‌کند. رویکردی که استاندارد دوگانه (Double Standards) نظام بین‌الملل را در قبال حقوق بشر عیان می‌سازد.

۲. استفاده از این‌گونه تعبیر در بالاترین کرسی تصمیم‌گیری و دیپلماسی جهانی، زنگ خطری جدی برای ادبیات حقوقی و سیاسی بین‌الملل است. این‌گونه قیاس‌ها به تدریج گفتمان کرامت‌محور حقوق بشر را تنزل داده و به عادی‌سازی تحقیر سیستماتیک شهروندان یک کشور در ادبیات ارکان رسمی سازمان ملل منجر می‌شود.

۳. حقوق بشر مفهومی جهان‌شمول و غیرقابل تفکیک است که باید شامل تمامی ابعاد زیستی شهروندان جهان شود. چگونه است که کرامت انسانی نیمی از پیکره جامعه افغانستان تا سطح مقایسه با حیوانات تنزل می‌یابد، در حالی که شورای امنیت مجهز به ابزارهای حقوقی بازدارنده مانند فصل هفتم منشور ملل متحد، مکانیسم‌های مداخله بشردوستانه، تحریم‌های هدفمند و نیروهای پاسدار صلح است، اما عملاً به صدور قطعنامه‌ها و بیانیه‌های فاقد ضمانت اجرایی اکتفا می‌کند؟ این انفعال مفرط، گواهی بر این حقیقت تلخ است که برخی دیپلمات‌های ارشد دولت‌های عضو، دانسته یا ندانسته، به عادی‌سازی این وضعیت کمک می‌کنند.

رنج امروز زنان افغانستان صرفاً محرومیت از حق تحصیل و اشتغال نیست؛ بلکه قربانی شدن در دالان‌های تاریک منافع ژئوپلیتیک و مواجهه با بی‌عملی نهادهای است که رسالت ذاتی‌شان صلح‌سازی و صیانت از کرامت انسانی است.

یادداشت: متن فرانسوی این تحلیل کوتاه را به آقای ژروم بونافون سفیر و نماینده دائمی فرانسه در شورای امنیت که ریاست دوره‌ای این شورا را دارد، فرستاده‌ام.